

# در انتخابات بهائی چگونه باید رأی داد؟

آرش ابی‌زاده

درآمد: در جامعه‌ی بهائی تعیین اعضای شوراهای محلی و ملی اداره‌کننده‌ی جامعه با رأی‌گیری‌های سالانه صورت می‌گیرد، اما این انتخابات ویژگی‌هایی دارند که آنها را از سایر انتخابات دموکراتیک متمایز می‌کند. ابی‌زاده با تأمل بر معیارهای رأی دادن و شیوه‌ی مشورت درباره‌ی آنها، به بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازد.<sup>۱</sup>

## چکیده

در میان بهائیان، دو برداشت نادرست رایج است: یکی اینکه شوقی افندی بحث درباره‌ی چگونگی رأی دادن را در روزهای پیش از انتخابات بهائی منع کرده، و دیگر اینکه تنها معیار رأی دادن را ویژگی‌های منتخبین دانسته است. نظر شوقی افندی در واقع این است که رأی‌دهندگان بهائی باید معیارهای رأی دادن را مورد بحث قرار دهند، اما در این بحث‌ها به فرد خاصی اشاره نکنند. علاوه بر این، به نظر او رأی‌دهندگان باید چهار معیار را در نظر بگیرند: (۱) ویژگی‌های تک‌تک اعضای شورای روحانی (۲) ترکیب جمعی شورای روحانی به عنوان یک کل (۳) تغییر اعضای شورای روحانی به مرور زمان و (۴) تغییر ترکیب جمعی شورای روحانی به مرور زمان.

از آنجایی که در آیین بهائی طبقه‌ی روحانیت وجود ندارد، فعالیت‌های جامعه‌ی بهائی در سطوح محلی و ملی، زیر نظر شوراهای روحانی محلی یا ملی انجام می‌گیرد که هر ۹ عضو آنها هر سال از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند.<sup>۲</sup> در حالی که فقدان طبقه‌ی روحانیت، آیین بهائی را از اکثر دیگر ادیان متمایز می‌سازد، فقدان نامزدها، احزاب، و کارزارهای رقابتی — که فقدان آنها با ارزش‌ها و هنجارهای مطرح شده در آثار شوقی افندی مطابقت دارد<sup>۳</sup> — نظام انتخاباتی بهائی را از اکثر دیگر انتخابات دموکراتیک متمایز می‌کند. ممنوعیت وجود نامزدها، احزاب، و کارزارهای انتخاباتی از طریق قواعد نهادی رسمی و هنجارهای اجتماعی غیررسمی اعمال می‌شود: اگر رأی‌دهندگان بهائی احساس کنند فردی عامدانه سرگرم تبلیغ برای خود است معمولاً به او رأی نمی‌دهند.

<sup>۱</sup> آنچه می‌خوانید برگردان و بازنویسی مقاله‌ی زیر است:

Arash Abizadeh (2008) 'How Bahá'í Voters Should Vote', *Journal of Baha'i Studies*, Vol. 18, No. 1-4  
[<https://bahai-studies.ca/wp-content/uploads/2014/05/18.14-Abizadeh.pdf>]

آرش ابی‌زاده در دانشگاه مک‌گیل اندیشه‌ی سیاسی تدریس می‌کند و تا کنون از او مقالات متعددی در همین حوزه منتشر شده‌اند.

<sup>۲</sup> در بعضی از کشورها، شوراهای منطقه‌ای هم وجود دارند که سالانه انتخاب می‌شوند و بر فعالیت‌های جامعه‌ی بهائی در سطحی پایین‌تر از سطح ملی نظارت می‌کنند؛ در سطح بین‌المللی، جامعه‌ی بهائی را بیت‌العدل اعظم اداره می‌کند که نه عضو آن هر پنج سال یک بار انتخاب می‌شوند.

<sup>۳</sup> ارزش‌های شاخص الگوی بهائی حاکمیت عبارتند از آزادی، برابری، و شرافت افراد، وحدت و همبستگی اشخاص، و عدالت و انصاف نهادها (نگاه کنید به ابی‌زاده). مبانی قانونی هیئت‌های حاکمه‌ی بهائی را می‌توان در آثار بهاء‌الله و عبدالبهاء یافت (نگاه کنید به شفر)، اما اکثر جزئیات نهادی به تدریج در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توسط شورای روحانی ملی بهائیان آمریکا و کانادا با مشورت با شوقی افندی مشخص شد (نگاه کنید به برامسون- لِرچ). امروزه قواعد نهادی در آیین‌نامه‌های شوراهای روحانی ملی و در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم تدوین می‌شوند (نگاه کنید به جامعه‌ی بین‌المللی بهائی ۱۹۷۶ و بیت‌العدل اعظم).

شاید در نتیجه‌ی همین مخالفت با کارزارهای انتخاباتی، برداشت نادرستی در جامعه‌ی بهائی رواج دارد و بهائیان می‌پندارند شوقی افندی رأی‌دهندگان بهائی را از بحث درباره‌ی چگونگی رأی‌دادن، در روزهای پیش از انتخابات بهائی، منع کرده است. اما در واقع شوقی افندی نظری درست برخلاف این برداشت دارد: رأی‌دهندگان بهائی باید در مورد چگونگی رأی‌دادن بحث کنند، اما در بحث‌های خود نباید به هیچ فرد خاصی اشاره کنند. او می‌گوید: "به نظرم اشاره به اشخاص پیش از انتخابات باعث سوءتفاهم و اختلاف نظر خواهد شد. احبّاء باید با یکدیگر به خوبی آشنا شوند، تبادل نظر کرده و آزادانه معاشرت کنند و بدون اشاره به هیچ فرد خاصی، درباره‌ی ملزومات و شایستگی‌های اعضای شوراهای روحانی با یکدیگر بحث کنند. باید از اِعمال نفوذ بر دیگران و جمع‌آوری رأی برای افراد خودداری کنیم." (بیت العدل اعظم، ۱۹۹۱، ج ۱: ۳۱۶، شماره‌ی ۷۰۹؛ تأکیدها از من است). بنابراین تمایز مهمی میان دو امر وجود دارد: معیارها یا "ویژگی‌ها"ی مطلوبی که باید در هنگام رأی‌دادن در نظر داشت و کاربست این معیارها در مورد "افراد خاصی" که ممکن است دارای آنها باشند. ممنوعیت تبلیغات انتخاباتی به مورد دوم، یعنی بحث درباره‌ی کاربست این معیارها در مورد افراد خاص، مربوط می‌شود. هدف از این ممنوعیت، و این واقعیت که بهائیان در انتخابات رأی مخفی می‌دهند، آن است که رأی‌دهندگان بتوانند به هر که دوست دارند، آزادانه و فارغ از فشارهای بیرونی، رأی دهند. (در انتخابات محلی، رأی‌دهندگان عبارتند از همه‌ی بهائیان محلی که بیش از ۲۱ سال دارند؛ در انتخابات ملی، رأی‌دهندگان عبارتند از نمایندگان که توسط همه‌ی بهائیان بالای ۲۱ سال کشور، انتخاب شده‌اند. چون کسی حق ندارد نامزد انتخابات شود، نامزدها در عمل عبارتند از تمام بهائیان بالای ۲۱ سال در سطح محلی یا کشوری. هر رأی‌دهنده‌ای نام ۹ نفر را در برگه‌ی رأی می‌نویسد؛ ۹ نفری که اکثریت آراء را به دست آورند، انتخاب می‌شوند). اما ممنوعیت تبلیغات، بحث درباره‌ی خود معیارها را در بر نمی‌گیرد. شوقی افندی نه تنها می‌گوید بهائیان باید درباره‌ی "ملزومات و ویژگی‌ها"ی افرادی که به آنها رأی می‌دهند با یکدیگر بحث کنند بلکه بسیاری از این معیارها را مشخص می‌کند. اولین نوع از این معیارها به ویژگی‌های مطلوب فردی که به عضویت شورای روحانی انتخاب می‌شود، مربوط است. رأی‌دهندگان بهائی بسیاری از این معیارها را می‌شناسند اما دومین تصور نادرست رایج این است که تنها معیارهای مطرح همین معیارهای مربوط به ویژگی‌های افرادند. شوقی افندی در واقع از چهار نوع معیار نام می‌برد که رأی‌دهندگان بهائی باید در هنگام رأی‌دادن به آنها توجه کنند: (۱) معیارهای مربوط به ویژگی‌های تک‌تک اعضای شورای روحانی (۲) معیارهای مربوط به ترکیب جمعی شورای روحانی به عنوان یک کل (۳) معیارهای مربوط به تغییر اعضای شورای روحانی به مرور زمان و (۴) معیارهای مربوط به تغییر ترکیب جمعی شورای روحانی به مرور زمان. آمادگی کامل برای انتخابات مستلزم آن است که رأی‌دهندگان پیش از انتخابات هر چهار نوع معیار، و نه فقط معیارهای نوع اول، را مورد تأمل قرار دهند. افزون بر این، باید برای فهم بهتر این معیارها در بافت حوزه‌ی انتخاباتی خود با یکدیگر مشورت کنند.<sup>۴</sup> این چهار نوع معیار در جدول شماره‌ی ۱ خلاصه شده‌اند.

<sup>۴</sup> برخی از مطالب این مقاله‌ی کوتاه، از مقاله‌ی دیگری از همین نویسنده با عنوان "انتخابات دموکراتیک بدون کارزارهای انتخاباتی؟" برگرفته شده است. نتیجه‌ی انتخابات، حاصل ترکیبی از دو ویژگی شاخص انتخابات است: قواعد نهادینه‌ی رأی‌دادن و طرز رأی‌دادن رأی‌دهندگان در این نهادها. مقاله‌ی پیشین به ویژگی اول می‌پرداخت و برای توجیه و ارزش‌گذاری قواعد نهادینه‌ی رأی‌دادن در انتخابات بهائی، معیارهای مطلوب عضویت در شوراهای روحانی را بررسی می‌کرد. این مقاله‌ی کوتاه به ویژگی دوم می‌پردازد و معیارهای مطلوبی را بررسی می‌کند که رأی‌دهندگان بهائی باید هنگام رأی‌دادن در نظر بگیرند.

## جدول ۱

### خلاصه‌ی معیارهایی که رأی‌دهندگان بهائی باید در نظر بگیرند

۱. ویژگی‌های تک‌تک اعضای شورای روحانی  
الف. وفاداری بی‌قید و شرط، از خودگذشتگی، ذهن تربیت‌شده، توانایی مسلم، تجربه‌ی کافی، صداقت، آزمودگی، کارآیی، قابلیت
۲. ترکیب جمعی شورای روحانی  
الف. تنوع اعضا (از جمله تنوع سنی)  
ب. نمایندگی همه‌ی اعضا  
ج. حضور اقلیت‌ها (مطابق با معیار ۱)
۳. تغییر اعضای شورای روحانی به مرور زمان  
الف. جایگزین کردن نمایندگان بی‌صلاحیت (رفع نقایص و ضعف‌ها)  
ب. بهبود کیفی اعضا
۴. تغییر ترکیب جمعی شورای روحانی به مرور زمان  
الف. بهبود کیفی ترکیب جمعی  
ب. تعویض و گردش اعضا (مطابق با معیارهای ۱ و ۲)

### معیارهای مربوط به تک‌تک اعضا در یک انتخابات

به نظر شوقی افندی، نمایندگانی که به عضویت شوراهای روحانی انتخاب می‌شوند باید "وفاداری بی‌قید-و-شرط، از خودگذشتگی، ذهن تربیت‌شده، توانایی مسلم و تجربه‌ی کافی" داشته (شوقی افندی ۸۸: ۱۹۷۴) و "مومن، مخلص، آزموده، توانا، و قابل" باشند (بیت‌العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۱: ۳۱۷، شماره‌ی ۷۱۶). این مجموعه‌ی اول از معیارها، آشکارترین و شناخته‌شده‌ترین معیارها در جامعه‌ی بهائی هستند: معیارهایی که ویژگی‌های مطلوب اعضای شوراهای روحانی بهائی را مشخص می‌کنند.

### معیارهای مربوط به ترکیب جمعی شورای روحانی در یک انتخابات

هدف از انتخابات بهائی، صرفاً انتخاب افرادی برای عضویت در شوراهای روحانی نیست بلکه هدف انتخاب هیئتی جمعی است. کیفیت شورای انتخابی تنها مبتنی بر ویژگی‌های فردی هر یک از نمایندگان نیست بلکه این امر بستگی به آن دارد که صفات، مهارت‌ها، دانش، و تجربه‌ی این افراد تا چه حد یکدیگر را، به مثابه یک کل، کامل می‌کنند. برای مثال، فرض کنید که ۹ عضو شورا همگی وفادار، از خودگذشته، آموزش‌دیده و دارای دیگر فضائل باشند اما همگی پیشینه‌ای واحد و تجربه‌های دقیقاً یکسانی از زندگی داشته باشند. این فقدان تنوع و کثرت می‌تواند از کیفیت شورا بکاهد هرچند همه‌ی اعضای آن به طور جداگانه کاملاً شایسته باشند. بنابراین، دومین نوع از معیارها، ویژگی‌های شورا را به مثابه یک کل، فارغ از ویژگی‌های تک‌تک اعضای آن، مشخص می‌کند. منشی

شوقی افندی در نامه‌ای از طرف او می‌نویسد: "نه اعضای شورا بلکه خود شورا به مثابه یک نهاد مهم است." (بیت‌العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۱: ۳۱۷، شماره‌ی ۷۱۶).

شوقی افندی به طور مشخص از سه نمونه از این معیارهای جمعی نام می‌برد: تنوع، نمایندگی، و حضور اقلیت‌ها در میان اعضای شورا. معلوم است که بهائیان باید به وجود تنوع در ترکیب افرادی که به آنها رأی می‌دهند، توجه کنند. به نظر عبدالبهاء، تنوع سبب ظهور "جمال و کمال" است و "تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه‌ی واحده و نفوذ کلمه‌ی وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود." (عبدالبهاء، ۱۹۹۶: ۲۵-۲۴).<sup>۵</sup> شوقی افندی در اشاره به این بیان عبدالبهاء نتیجه می‌گیرد که "اصل محوری" نظام اداری بهائی "وحدت در کثرت" است (شوقی افندی ۱۹۹۱: ۴۲). در سال ۱۹۳۴ در نامه‌ای به شورای روحانی ملی بهائیان هندوستان، برمه، و پاکستان، منشی شوقی افندی از طرف ایشان می‌گوید که تنوع اعضای شورای روحانی بهائی امری پسندیده است:

"بی‌تردید تفاوت زبانی و پیشینه‌ی فکری و اجتماعی متفاوت، کار را تا اندازه‌ای دشوار می‌کند و ممکن است به طور موقت مانعی بر سر راه کارایی و سهولت کار شورای روحانی ملی بهائی باشد اما این تفاوت‌ها به رایزنی‌های شورای ملی عمومیتی می‌دهند که در غیر این صورت از آن بی‌بهره می‌بود. همچنین این تفاوت‌ها به اعضا وسعت نظری می‌بخشند که باید آن را پرورش داده و گسترش دهند. در تشکیل شورای محلی یا ملی نباید در پی همسانی باشیم زیرا اصل اساسی نظم اداری بهائی وحدت در کثرت است، امری که در آثار آیین بهائی به طور مکرر بر آن تأکید شده است (شوقی افندی ۱۹۷۰: ۴۲؛ تأکید از من است). در یکی از نامه‌های نوشته شده از طرف شوقی افندی به طور خاص توزیع سنی، به عنوان یکی از انواع تکثر، مورد توجه قرار می‌گیرد. در نامه‌ای به تاریخ ۱۹۴۶، منشی شوقی افندی می‌گوید که "ایشان از این امر خشنودند که این تغییرات [در نحوه‌ی عضویت] باعث شده است تا تعداد بیشتری از جوانان به عضویت شورای روحانی ملی انتخاب شوند." (بیت‌العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۲: ۹۶، شماره‌ی ۱۴۴۰). هر چند این نامه به حضور اعضای جوان [در شورا] اشاره دارد، اما از قرار معلوم در آن جامعه گرایش مبنی بر انتخاب اعضای مسن‌تر وجود داشته و لذا می‌توان نتیجه گرفت که نگرانی عمومی شوقی افندی بیشتر متوجه تنوع سنی اعضا بوده است.<sup>۶</sup>

این گفته‌ی شوقی افندی که "شورا باید معرف بهترین و متنوع‌ترین و تواناترین افراد در هر یک از جوامع بهائی باشد" نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان بهائی باید ملزومات مربوط به ترکیب کلی شورا را در نظر داشته باشند

<sup>۵</sup> عبدالبهاء می‌گوید که "اختلاف به دو قسم است. یک اختلاف سبب انعدام است و آن نظیر اختلاف ملل متنازعه و شعوب متبازره که یکدیگر را محو نمایند و خانمان براندازند و راحت و آسایش سلب کنند و خونخوارگی و درندگی آغاز نمایند. و اختلاف دیگر که عبارت از تنوع است آن عین کمال و سبب ظهور موهبت حضرت ذوالجلال... چون جهت جامعه که نفوذ کلمه‌الله است حاصل گردد این اختلاف آداب و رسوم و عادات و افکار و آراء و طبایع سبب زینت عالم انسانی گردد. و همچنین این تنوع و اختلاف چون تفاوت و تنوع فطری خلقی اعضا و اجزای انسان است که سبب ظهور جمال و کمال است... و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه‌ی واحده و نفوذ کلمه‌ی وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود." (عبدالبهاء، ۱۹۹۶: ۲۵-۲۳).

<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد بیت‌العدل اعظم هم چنین درکی از این امر دارد. نگاه کنید به نامه‌ی ۲۵ مارچ ۲۰۰۷ بیت‌العدل اعظم به بهائیان جهان که در آن پیشنهاد می‌کند "رأی‌دهندگان از بین کسانی که به نظر آنها صلاحیت خدمت دارند، افرادی را با توجه به عوامل دیگر مثل توزیع سنی، تنوع، و جنسیت برگزینند." همچنین نگاه کنید به نامه‌ی شوقی افندی به یکی از بهائیان، مورخ ۶ ژوئیه‌ی ۱۹۴۴، که در صفحات ۸۱-۸۰ کتاب پیام‌هایی به کانادا منتشر شده: "باید احبا را تشویق کرد که نه تنها درباره‌ی ویژگی‌های اعضای شوراها انتخابی خود بلکه درباره‌ی امور مورد نظر شما، قانون میانگین‌ها (the law of averages)، سن و بیماری برخی از اعضا، و نظایر این بیشتر فکر کنند."

(بیت‌العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۲: ۹۶، یادداشت ۱۴۴۹؛ تأکید از من است). این سخنان نه تنها بار دیگر بر لزوم تنوع تأکید می‌کند بلکه معیار دیگری را هم درباره‌ی ترکیب جمعی اعضای شورا ارائه می‌کند: هر شورا باید نماینده و معرف جامعه‌ی خاصی باشد که در آن قرار دارد، به این معنی که ترکیب آن جامعه را منعکس سازد.<sup>۷</sup> شوقی افندی در جای دیگری بر این معیار تأکید می‌کند و می‌گوید که انتخابات بهائی باید "خصلت نمایندگی نهادهای بهائی را تقویت کند." (شوقی افندی ۱۹۷۰: ۱۲۵). این امر حاکی از آن است که بهائیان در هنگام بررسی "شرایط و ویژگی‌های اعضا" باید به ترکیب جامعه‌ی خود توجه خاصی مبذول دارند و شاید لازم باشد با یکدیگر مشورت کنند که چه شورایی معرف و نماینده‌ی جامعه‌ی آنها خواهد بود. برای مثال، بخش بزرگ بعضی از جوامع را دانشجویان، کارگران، مادران مجرد، یا اقلیت‌های زبانی، و نظایر آن تشکیل می‌دهند. در این موارد باید به رأی‌دهندگان توصیه کرد در هنگام رأی‌دادن این عوامل را در نظر داشته باشند تا شورای انتخابی معرف و نماینده‌ی جامعه‌ی آنها باشد.<sup>۸</sup> اما بر خلاف دیگر الگوهای حکمرانی، هدف از این نوع نمایندگی در الگوی بهائی این نیست که اعضای شورا مانند حامیان حزبی از طرف حوزه‌ی انتخاباتی یا بخشی از جامعه سخن بگویند و عمل کنند. الگوی بهائی حکمرانی بر این ایده استوار است که شورا باید هیئتی متحد باشد که از طرف کل جامعه سخن بگوید و عمل کند. شورایی که منعکس‌کننده‌ی ترکیب جامعه‌ی خود باشد به نیازهای خاص آن جامعه حساس‌تر بوده و نسبت به آنها آگاه‌تر است، و چنین شورایی حس مالکیت و یکپارچگی همه‌ی اقشار جامعه را افزایش می‌دهد. سومین معیاری که شوقی افندی ارائه می‌کند، و ارتباط آشکاری با دو معیار دیگر دارد، حضور گروه‌های اقلیت در میان اعضای شورا است. به نظر شوقی افندی، "وظیفه‌ی هر جامعه‌ی بهائی این است که امور خود را به گونه‌ای سامان دهد تا در مواردی که اعضای اقلیت‌های گوناگون آن جامعه از صلاحیت و شرایط لازم برخوردار باشند، شمار هر چه بیشتری از آنها، خواه از اقلیت‌های نژادی یا غیر از آن، در نهادهای بهائی، از جمله شوراها، انجمن‌های مشورتی، کنفرانس‌ها، یا هیئت‌ها حاضر باشند" (شوقی افندی ۱۹۷۱: ۳۶).<sup>۹</sup>

قید "در مواردی که" نشان می‌دهد حضور اقلیت‌ها در شورا تنها در صورتی امکان‌پذیر است که افراد باصلاحیتی در میان آنها وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، معیار حضور اقلیت‌ها تابع آن است که افرادی وفادار، از خود گذشته، آموزش دیده، و نظایر آن در میان آنها وجود داشته باشند. بر خلاف دیگر الگوها، دلیل حضور اقلیت‌ها، جانبداری تعصب‌آمیز از آنها نیست. بر اساس یکی از قواعد نهادی، در صورتی که در انتخابات بهائی دو یا چند نفر آرای

<sup>۷</sup> البته یکی از معانی "نمایندگی" جامعه توسط شورای انتخابی این است که به طور مشروع از طرف جامعه سخن بگوید و عمل کند (شوقی افندی اغلب، به ویژه وقتی "نمایندگی" را به عنوان اسم به کار می‌برد، این واژه را به همین معنا استفاده می‌کند). اما اینجا با معنای دوم این واژه روبرویم که بر اساس آن یک هیئت انتخابی مادامی نماینده‌ی انتخاب‌کنندگان است که ترکیب آن جامعه را به نوعی انعکاس دهد (و نه صرفاً به این معنا که به طور مشروع از طرف جامعه عمل کند).

<sup>۸</sup> یکی از خوانندگان پرسیده آیا اعضای شورای بهائی باید منعکس‌کننده‌ی ترکیب جمعیتی بهائیان آن جامعه باشند یا اینکه باید ترکیب جامعه‌ی بزرگتر در آن حوزه‌ی انتخابی را انعکاس دهند؟ در آثار بهائی هیچ عبارتی را ندیده‌ام که به طور قاطع یکی از این دو تفسیر را تأیید کند. از یک طرف، شورای بهائی شامل نمایندگان منتخب جامعه‌ی بهائی است، و در نتیجه اعضای آن باید در درجه‌ی اول ترکیب جامعه‌ی بهائی را انعکاس دهند. از طرف دیگر، وظایف شورای بهائی، به تصریح شوقی افندی، تنها محدود به جامعه‌ی بهائی نیست و خدمت به کل جامعه را در بر می‌گیرد. در عبارتی که پیشتر نقل کردم قید "در هر یک از جوامع بهائی" وجود دارد که شاید مؤید تفسیر اول باشد.

<sup>۹</sup> در این عبارت‌ها هم "نمایندگی کردن" به دو معنا به کار رفته است. نهادهای بهائی به یک معنا "نماینده" اند زیرا از طرف جامعه سخن می‌گویند و عمل می‌کنند؛ اما "نمایندگی" عناصر گوناگون "در آنها" به این معنا نیست که این افراد از طرف این عناصر سخن می‌گویند یا از آنها هواداری می‌کنند بلکه به این معناست که حضور آنها در جامعه، در شورا (یا هر هیئت دیگری) انعکاس می‌یابد.

برابر کسب کنند فردی به عضویت شورا انتخاب می‌شود که به اقلیت‌های اجتماعی تعلق داشته باشد. هدف اصلی از این قاعده و نیز تأکید بر حضور اقلیت‌ها، حفظ یکپارچگی [کل جامعه] است: "تشویق و برانگیختن" گروه اقلیت و "فراهم آوردن فرصتی برای آنها تا بتوانند به پیشبرد منافع کل جامعه یاری برسانند" (شوقی افندی ۱۹۷۱: ۳۵).

هر سه معیار نشان می‌دهند که چرا رأی‌دهندگان بهائی نه تنها باید ویژگی‌های افراد را به طور جداگانه بررسی کنند بلکه باید ویژگی‌های مربوط به اعضای شورا به مثابه یک کل را هم در نظر بگیرند. باید میان این دو نوع معیار به دقت تمایز قائل شد: عضو گروه اقلیت بودن یا جوانی به هیچ وجه معیار صلاحیت فرد برای نمایندگی نیست؛ این معیارها به ترکیب کلی شورا ربط دارند و نه به ویژگی‌های تک‌تک اعضا. و البته در اینجا تحمیل قواعد نهادی بر رأی‌دهندگان مطرح نیست: هر رأی‌دهنده‌ای آزاد است که به حکم وجدانش رأی دهد. بلکه مسئله عبارت است از معیارهای گوناگونی که هر یک از رأی‌دهندگان باید به طور آرمانی در هنگام رأی دادن به آنها توجه کنند.

### معیارهای مربوط به تغییر اعضا به مرور زمان

تا کنون معیارهایی را بررسی کرده‌ایم که بهائیان باید هنگام رأی دادن در یک انتخابات، و بدون در نظر گرفتن انتخابات‌های پیش از آن، مورد توجه قرار بدهند. این‌ها همه معیارهایی "ایستا" بودند. اما شوقی افندی از معیارهای دیگری هم نام می‌برد که باید برای تغییر اعضای یک شورا در هر انتخابات در نظر گرفت. برای مثال، منشی شوقی افندی در نامه‌ای از طرف او به دو نمونه از چنین معیارهایی اشاره می‌کند: رأی‌دهندگان بهائی (الف) باید به جایگزینی نمایندگانی که عملکردی بد یا غیراخلاقی داشته‌اند، توجه کنند و (ب) باید بکوشند که کیفیت عضویت در شوراها را به مرور زمان بهبود بخشند: "انتخابات، به ویژه انتخابات سالانه، فرصت خوبی در اختیار جامعه قرار می‌دهد تا به رفع نقائص ناشی از عملکرد اعضای شورا بپردازد. بنابراین روش مطمئنی برای بهبود و افزایش مستمر کیفیت عضویت در شوراها بهائی تعبیه شده است (بیت‌العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۲: ۴۲، شماره‌ی ۱۳۶۴؛ تأکید از من است).<sup>۱۰</sup>

نکته‌ی دوم یعنی بهبود کیفیت عضویت در شوراها بهائی را در نظر بگیرید. برای این که انتخابات بتواند چنین کارکردی داشته باشد، دو شرط لازم است: رأی‌دهندگان باید صلاحیت‌ها یا معیارهای مربوط به عضویت را دریابند و همچنین باید از وجود افرادی که این معیارها را دارند اما پیش از این عضو شوراها نبوده‌اند، آگاه شوند. بنابراین، با توجه به توصیه‌ی شوقی افندی مبنی بر اینکه بهائیان باید "درباره‌ی شرایط و ویژگی‌های اعضای شورا با یکدیگر بحث کنند"، اعضای جامعه می‌توانند در این خصوص با یکدیگر مشورت کنند که با توجه به مقتضیات خاص آن جامعه در آن زمان، چه صفاتی برای بهبود کیفی آن شورا لازم است. برای مثال، فرض کنید که حساب‌های مالی یک شورای خاص چند سال به هم ریخته بوده است. در این شرایط، شاید رأی‌دهندگان بخواهند در این خصوص با

---

<sup>۱۰</sup> همان طور که ویراستاران نشریه‌ی مطالعات بهائی به من خاطر نشان کرده‌اند، چون فرایند تصمیم‌گیری مشورتی در شوراها بهائی محرمانه است (نظرات یا آرای تک‌تک اعضای شورا ثبت نمی‌شود)، رأی‌دهندگان بهائی اغلب از کارهای اعضای شورا بی‌خبرند. در واقع، گاهی، به ویژه در جوامع بسیار کوچک، تغییر اعضای شورا ممکن است عملی نباشد. به همین علت، تغییر اعضا از طریق انتخابات سالانه که در این نامه به آن اشاره شده تنها ساز و کار موجود در نظام حکمرانی بهائی برای رفع "نقایص" شوراها نیست. باید به دو ساز و کار دیگر اشاره کرد: وظیفه‌ی مشاورین و اعضای هیئت‌های معاونت (افرادی که برای مشاوره منصوب می‌شوند) تشویق و کمک به شوراها برای مقابله با نقائص موجود و یادگیری از آنها است. هر یک از بهائیان نیز حق دارد نسبت به هر یک از تصمیم‌های شوراها به مرجع انتخابی عالی‌رتبه‌تر استیناف دهد (به عبارت دیگر، می‌توان نسبت به تصمیم‌های شوراها محلی به شورای ملی، و نسبت به تصمیم‌های شوراها ملی به بیت‌العدل اعظم استیناف داد).



یکدیگر مشورت کنند که چه نوع "ذهن آموزش دیده" ای برای بهبود کیفیت شورای جدید لازم است. برای مثال، شخصی که نه تنها دارای ویژگی‌های روحانی است بلکه حسابداری هم بلد است. اگر قرار است رأی‌دهندگان درباره‌ی چنین معیارهایی مشورت کنند نباید به "هیچ فرد خاصی حتی به طور غیر مستقیم اشاره کنند". در بسیاری از موارد، به ویژه در جوامع کوچک، چنین کاری ممکن نیست. علاوه بر این، چون در انتخابات بهائی نمی‌توان درباره‌ی افراد بحث کرد، برای آگاه شدن از اینکه چه کسی ویژگی‌های لازم را دارد باید راه دیگری یافت — نظیر مشارکت فعال در امور جامعه در طول سال.<sup>۱۱</sup>

### معیارهای مربوط به تغییر ترکیب جمعی شورا به مرور زمان

تا اینجا دیدیم که کیفیت یک شورا صرفاً به ویژگی‌های اعضای آن بستگی ندارد. دیگر معیار مهم این است که ویژگی‌های اعضا در کل مکمل یکدیگر باشند. بنابراین، رأی‌دهندگان علاوه بر تغییر اعضای شورا به مرور زمان باید تغییر ترکیب کلی شورا به مرور زمان را هم در نظر بگیرند. پیشتر دیدیم که شوقی افندی در نامه‌ای بر "بهبود و افزایش مستمر کیفیت عضویت در شوراهای بهائی" تأکید کرده است. این سخنان به بهبود ترکیب جمعی شورا به مرور زمان هم اشاره می‌کند. در تعدادی از نامه‌های شوقی افندی، علاوه بر بهبود، معیار دیگری هم ذکر شده است که رأی‌دهندگان باید در خصوص تغییر ترکیب کلی اعضای شوراها در هر انتخابات در نظر بگیرند: اینکه به خاطر نفس تغییر، هر سال باید برخی از اعضا تغییر کنند. برای مثال، منشی شوقی افندی در نامه‌ای می‌نویسد که "ایشان [شوقی افندی] خیلی خوشحالند که امسال تغییراتی در اعضای شورای روحانی ملی صورت گرفته، نه به علت تغییر شخصی خاص بلکه چون تغییر به خودی خود خوب است و روح تازه‌ای در بحث‌های هر شورا می‌دمد" (بیت العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۲: ۹۶، شماره‌ی ۱۴۴۹؛ تأکید از من است). عبارت ایتالیک نشان می‌دهد که این امر به معیار چهارم مربوط است و نه معیار قبلی: اینجا مسئله نه بهبود کیفی عضویت در شوراها بلکه ترکیب جمعی کل شورا به مرور زمان است. اما در نامه‌ی دیگری از طرف شوقی افندی به شرط مهمی برای این معیار تغییر اشاره شده: رأی‌دهندگان نباید "ایستایی" عضویت شورا را قربانی تغییرات اعضا کنند. به عبارت دیگر، تغییر اعضا تابع معیارهای نوع اول و دوم است: "انتخاب مجدد همه یا برخی از اعضای یک شورا از نظر اصولی ممنوع نیست به شرط اینکه اعضا برای این مسئولیت صلاحیت داشته باشند. مهم شایستگی افراد است. انتخاب اعضای جدید یا قدیمی صرفاً ملاحظاتی

---

<sup>۱۱</sup> نگاه کنید به نامه‌ی منشی شوقی افندی به آلبرت مولشلگل [یکی از اعضای شورای روحانی ملی بهائیان آلمان و اتریش]، مورخ ۴ فوریه‌ی ۱۹۳۵، که در صفحه‌ی ۶۸ کتاب *نور هدایت الهی* منتشر شده است. بر اساس این نامه هر فردی وظیفه دارد "به عضو فعال و آگاه جامعه‌ی بهائی خود بدل شود. هر فردی برای اینکه بتواند در زمان انتخابات حکیمانه رأی دهد باید ارتباط نزدیک و مستمری با همه‌ی فعالیت‌های محلی داشته باشد ... و به طور کامل و مشتاقانه در فعالیت‌های شوراها و هیئت‌های محلی و ملی کشور خود مشارکت کند. تنها در این صورت می‌توان آگاهی اجتماعی حقیقی و درک درستی از مسئولیت در اموری پیدا کرد که بر مصالح و منافع امرالله تأثیر می‌گذارند. بنابراین وظیفه‌ی هر بهائی مؤمن و وفادار این است که رأی‌دهنده‌ای باهوش، آگاه، و مسئول شود. زندگی اجتماعی بهائی این فرصت را برای هر یک از بهائیان فراهم می‌کند که خود را به این رتبه ارتقاء دهند". همچنین نگاه کنید به نامه‌ی شوقی افندی به یکی از شوراهای روحانی محلی، مورخ ۱۴ مه ۱۹۲۷، در بیت العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۱، شماره‌ی ۷۰۹.

ثانویه‌اند. تغییر اعضای شورا تنها زمانی صحیح است که صلاحیت اعضا را نادیده نگیریم (دپارتمان پژوهش بیت‌العدل اعظم ۱۹۹۰: ۱۶: تأکید از من است).<sup>۱۲</sup>

## نتیجه

آرمان بهائیان برای رفع همه‌ی تعصبات با چگونگی رأی‌دادن بهائیان ارتباط مستقیم دارد. شوقی افندی می‌گوید که رأی‌دهندگان بهائی "وظیفه دارند بدون اغراض نفسانی یا تعصب، و فارغ از ملاحظات مادی، عمل کنند" (شوقی افندی ۱۹۷۴: ۸۸). البته جهان ما کامل نیست: همیشه بین آرمان و عمل تفاوت وجود دارد. بهائیان هر قدر بکوشند به آرمان‌های خود پایبند بمانند، باز هم نقائصی وجود خواهد داشت. این امر درباره‌ی همه چیز، از جمله انتخابات بهائی، صادق است: همواره بین آرمان و عمل رأی‌دهندگان بهائی تفاوت وجود خواهد داشت. به همین دلیل، مطالعه‌ی معیارهای آرمانی رأی‌دادن در انتخابات بهائی و بحث درباره‌ی آنها مهم است. بر اساس قوانین انتخاباتی بهائی، تبلیغات ممنوع است. بسیاری از این واقعیت به نادرستی نتیجه گرفته‌اند که پیش از انتخابات بهائی نباید درباره‌ی چگونگی رأی‌دادن بحث کرد. بر عکس، شوقی افندی رأی‌دهندگان بهائی را ملزم می‌سازد که [با هم] "تبادل نظر داشته و آزادانه معاشرت کنند و بدون اشاره به هیچ فرد خاصی، درباره‌ی شرایط و ویژگی‌های اعضای شوراهای روحانی با یکدیگر بحث کنند." ممنوعیت تبلیغات به این معناست که در این بحث‌ها نباید به هیچ فرد خاصی اشاره کرد. اما رأی‌دهندگان باید معیارهای رأی‌دادن را مطالعه و درباره‌ی آنها به طور کلی بحث کنند زیرا یکی از راه‌های هر چه بیشتر متحقق ساختن آرمان‌هایشان، مطالعه و بحث است. برای مثال، در بعضی از جوامع، ممکن است رأی‌دهندگان بهائی با خلوص نیت کامل به افرادی رأی دهند که به نظرشان بیش از بقیه صلاحیت دارند اما در عین حال در چند سال متوالی هیچ یک از زنان، جوانان، اقلیت‌ها، عضو جدید، یا شورایی را که نماینده‌ی تنوع آن جامعه باشد، انتخاب نکنند. از یک طرف، این امر نتیجه‌ی مشروع فرایند رأی‌دادن بهائی است و باید به آن به عنوان نظر جامعه احترام گذاشت. منشی شوقی افندی در نامه‌ای از طرف او می‌نویسد: "پس از پایان انتخابات شورا، همه‌ی بهائیان باید نتیجه‌ی آن را بی‌چون و چرا و به حکم وجدان

---

<sup>۱۲</sup> منشی شوقی افندی در نامه‌ی دیگری به یکی از بهائیان می‌گوید به نظر شوقی افندی، تعویض اعضا نباید ناشی از تحمیل قوانین نهادی‌ای باشد که آزادی رأی‌دادن را محدود می‌سازد؛ رأی‌دهندگان باید آزاد باشند تا به حکم وجدان به هر که دوست دارند، رأی دهند - برای مثال نباید دوره‌ی عضویت در شوراها را محدود کرد: "شوقی افندی هرگز نگفته هر سال باید فقط به برخی از اعضای شورای ملی دوباره رأی داد. مهم آن است که این اعضا به درستی انتخاب شوند. انتخاب اعضای جدید خوب است زیرا خون تازه همیشه نیروی گروه را افزایش می‌دهد و به آن روح تازه‌ای می‌دمد. اما این امر کاملاً به اراده‌ی نمایندگان انجمن مشاوره‌ی ملی بستگی دارد و در نتیجه‌ی آرای آنها انعکاس می‌یابد (هورنبری ۱۹۹۹، شماره‌ی ۶۳). اما منشی شوقی افندی در نامه‌ی دیگری از طرف او می‌گوید که (حداقل یکی از دلایل) عدم محدودیت دوره‌ی عضویت در شوراها این است که چنین تغییر "بنیادینی" در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی نهادهای بهائی "ناپهنگام" است: "درباره‌ی سؤالات شما در خصوص مطلوب بودن تغییر مبنای انتخاب اعضای شورای ملی و محدود ساختن آن به نمایندگان انجمن مشاوره‌ی ملی یا محدود کردن دوره‌ی عضویت: به نظر شوقی افندی چنین تغییراتی بنیادین به شمار می‌روند و بنابراین باید در مورد شوراهای روحانی ملی دیگر کشورها هم اعمال شوند، و به همین دلیل و نیز ماهیت بنیادین آنها، چنین تغییراتی نامطلوب و ناپهنگام‌اند" (نامه‌ی منشی شوقی افندی به یکی از بهائیان، مورخ ۶ ژوئیه‌ی ۱۹۴۴، مندرج در پیام‌هایی به کانادا، ۸۰). لازم نیست رأی‌دهندگان هنگام رأی‌دادن نگران این مسئله باشند؛ این مسئله به قوانین نهادی مناسب برای انتخابات بهائی ربط دارد.



بپذیرند، نه به این علت که ضرورتاً حاکی از حقیقت یا اراده‌ی حضرت بهاء‌الله است، بلکه چون هدف اصلی حفظ وحدت و هماهنگی در جامعه‌ی بهائی است" (هورنبی ۱۹۹۹: ۴۶).<sup>۱۳</sup>

از طرف دیگر، مهم است که رأی‌دهندگان بهائی به دقت به گزینه‌هایی که برای رأی‌دادن دارند، بیندیشند و تا آنجا که در توان دارند در راه تحقق آرمان‌های بهائی بکوشند و "بدون اغراض نفسانی یا تعصب" عمل کنند. شاید در جامعه‌ای، رأی‌دهندگان بی‌آنکه بفهمند "آزمودگی" را با "سالخوردگی"، یا "ذهن آموزش‌دیده" را با فصیح و مردانه سخن‌گفتن یکسان بیندارند. بحث درباره‌ی این مسائل در محیطی معطوف به یادگیری به رأی‌دهندگان بهائی کمک خواهد کرد تا با درک تعصبات یا پیش‌فرض‌های خود آگاهانه‌تر رأی دهند. مهم این است که در این بحث‌ها "به هیچ فرد خاصی حتی به طور غیرمستقیم اشاره نشود"؛ چنین اشاره‌ای با روح انتخابات بهائی مغایرت دارد. شوقی افندی می‌گوید: "زهار، زهار از اینکه بوی بد احزاب به مشام رسد و ... روش‌های مهلکی همچون دسیسه‌چینی، سیاست حزبی، و تبلیغات — که حتی نامشان هم مکروه است — به جامعه‌ی بهائی راه یابد، بهائیان را متأثر سازد، و در نتیجه معنویت را از میان بردارد. بهائیان باید با توکل، عشق، وفاداری، و نوع‌دوستی این رسوم زیان‌بار را نابود سازند نه اینکه از آنها تقلید کنند" (بیت العدل اعظم ۱۹۹۱، ج ۱: ۳۱۵، شماره‌ی ۷۰۵).

همان طور که شوقی افندی می‌گوید رأی‌دهندگان بهائی باید "درباره‌ی شرایط و ویژگی‌ها"ی اعضای شوراها "با یکدیگر بحث کنند" اما در عین حال بحث را به ابزاری برای دسیسه‌چینی یا تبلیغات بدل نکنند.

مرسوم است که پیش از انتخابات بهائی، فقراتی از آثار شوقی افندی درباره‌ی ویژگی‌های اعضای شوراها را می‌خوانند. در این مقاله به پاره‌ای از آثار شوقی افندی اشاره کردیم. یکی از نتایج بررسی این آثار این است که جوامع بهائی باید فقراتی از آثار شوقی افندی درباره‌ی سه معیار دیگر را هم بخوانند. نتیجه‌ی دیگر این است که علاوه بر خواندن این فقرات، شاید لازم باشد جوامع بهائی فرصتی را برای اعضای خود فراهم آورند تا درباره‌ی اهمیت این معیارها برای حوزه‌ی انتخابی خود با یکدیگر مشورت کنند. بهاء‌الله می‌گوید، "آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر: مشورت و شفقت. در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت. راه نماید و آگاهی عطا کند" (بهاء‌الله ۱۹۸۸: ۱۶۸). اما این مشورت باید در زمانی غیر از زمان خود رأی‌دادن انجام شود تا "فضای انتخاباتی آرام و روحانی" فراهم شود (شوقی افندی ۱۹۷۴: ۱۳۶)؛ این همان فضایی است که شوقی افندی برای رأی‌دادن بهائیان در نظر مجسم می‌کرد. با مطالعه‌ی راهنمایی‌های موجود در آثار بهائی، و بصیرت‌افزایی حاصل از مشورت، هر فردی می‌تواند در نهایت به حکم وجدان خود تصمیم بگیرد که به چه کسی رأی دهد.<sup>۱۴</sup>

برگردان: عرفان ثابتی

<sup>۱۳</sup> در عبارت‌های زیر شوقی افندی بر این امر بیشتر تأکید می‌کند: "بار دیگر اطمینان می‌دهم که هر شورایی که در این فضای آکنده از محویت و انقطاع انتخاب شود منصوب من عند الله است" (نامه به بهائیان آمریکا، ۲۳ فوریه‌ی ۱۹۲۴، مندرج در شوقی افندی ۱۹۷۴: ۶۵).

<sup>۱۴</sup> از دیوید بوئی، سینا فاضل، مریون فیلی، بتی فیشر، منیره کاظم‌زاده، رجی نیوکیرک، جان صفاپور، پردیس سبحانی، دو داور ناشناس، ویراستاران این نشریه، و شرکت‌کنندگان در سی و یکمین کنفرانس سالانه‌ی انجمن مطالعات بهائی در می‌سی‌ساگا، انتاریو، اوت ۲۰۰۷، به خاطر نظرات ارزشمندشان درباره‌ی نسخه‌ی پیشین این مقاله سپاسگزارم.

- ‘Abdu’l-Bahá. Selections from the Writings of ‘Abdu’l-Bahá. Comp. Research Dept. of the Universal House of Justice, trans. Committee at the Bahá’í World Centre and Marzieh Gail. 1st pocket-size ed. Wilmette, Ill.: Bahá’í Publishing Trust, 1996.
- Abizadeh, Arash. “Democratic Elections without Campaigns? Normative Foundations of National Bahá’í Elections.” *World Order* 37.1 (2005): 7–49.
- Bahá’u’lláh. Tablets of Bahá’u’lláh Revealed after the Kitáb-i-Aqdas. Comp. Research Dept. of the Universal House of Justice. Trans. Habib Taherzadeh et al. 2nd ed. Wilmette, Ill.: Bahá’í Publishing Trust, 1988.
- Bramson-Lerche, Loni. “Some Aspects of the Development of the Bahá’í Administrative Order in America, 1922–1936.” In *Studies in Bábí and Bahá’í History*. Vol. 1. Ed. Moojan Momen. Los Angeles: Kalimát Press, 1982. 255–300.
- The Compilation of Compilations Prepared by the Universal House of Justice 1963–1990. 2 vols. Maryborough, Vic.: Bahá’í Publications Australia, 1991.
- Hornby, Helen, comp. *Lights of Guidance: A Bahá’í Reference File*. 6th ed. New Delhi: Bahá’í Publishing Trust, 1999.
- “A Model Declaration of Trust and By-laws for a National Spiritual Assembly.” *The Bahá’í World: An International Record*. Vol. 15: 1968–73. Haifa: Bahá’í World Centre, 1976. 653–60.
- The Sanctity and Nature of Bahá’í Elections. Comp. Research Dept. of the Universal House of Justice. London: Bahá’í Publishing Trust, 1990.
- Schaefer, Udo. “Introduction to Bahá’í Law: Doctrinal Foundations, Principles, and Structures.” *Journal of Law and Religion* 18.2 (2002–3): 307–73.
- Shoghi Effendi. *The Advent of Divine Justice*. Wilmette, Ill.: Bahá’í Publishing Trust, 1971.
- . *Bahá’í Administration: Selected Messages 1922–1932*. Wilmette, Ill.: Bahá’í Publishing Trust, 1974.
- . *Dawn of a New Day*. New Delhi: Bahá’í Publishing Trust of India, 1970.
- . *The Light of Divine Guidance: The Messages from the Guardian of the Bahá’í Faith to the Bahá’ís of Germany and Austria*. Hofheim-Langenhain: Bahá’í-Verlag, 1982. Vol. 1.
- . *Messages to Canada*. 2nd ed. Thornhill, Ont.: Bahá’í Canada Publications, 1999.

———. The World Order of Bahá'u'lláh: Selected Letters. New ed. Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust, 1991.

Universal House of Justice. The Constitution of the Universal House of Justice. Haifa: Bahá'í World Centre, 1972.

